

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هجدهم، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۹

## عوامل پیش‌برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی

دکتر خلیل کلانتری<sup>۱\*</sup>، عبدی رهنما<sup>\*\*</sup>، دکتر حمید موحد محمدی<sup>\*</sup>

تاریخ دریافت: ۸۷/۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۸۸/۳/۲۶

### چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان خراسان شمالی می‌باشد که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۴۳ نفر از مدیران صنایع تبدیلی و تکمیلی است که در حال فعالیت بوده و یا تا سال ۱۳۸۶ پروانه تأسیس (موافقت اصولی) از سازمان جهاد کشاورزی یا اداره کل صنایع و معادن استان خراسان شمالی دریافت نموده‌اند. از آنجا که تعداد این مدیران محدود بوده، نمونه‌گیری به روش سرشماری انجام شده و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری گردیده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار SPSS انجام گرفت و با بهره‌گیری

e-mail: khkalan@ut.ac.it

\* دانشیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

۱. نویسنده مسئول

\*\* کارشناس ارشد توسعه روستایی

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال هجدهم، شماره ۷۰

از روش تحلیل عاملی، چهار عامل به عنوان عوامل پیش‌برنده و شش عامل به عنوان عوامل بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان خراسان شمالی، استخراج و نامگذاری شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سهم عوامل پیش‌برنده مؤثرتر از عوامل بازدارنده بوده و در نتیجه با ایجاد زمینه لازم می‌توان با تقویت عوامل پیش‌برنده و فایز آمدن بر عوامل بازدارنده، به توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان کمک کرد.

طبقه‌بندی JEL: Q18, L7

کلیدواژه‌ها:

صنایع روستایی، صنایع تبدیلی و تکمیلی، پتانسیل‌های کشاورزی، عوامل پیش‌برنده و بازدارنده، استان خراسان شمالی

مقدمه

امروزه کاهش فقر و بیکاری و ایجاد اشتغال از دلمشغولی‌های اصلی کشور و از موضوعات بسیار مهم در توسعه استانها به شمار می‌رود. حل مشکل بیکاری در استانها باید مبتنی بر پتانسیلها و توانمندیهای همان منطقه انجام گیرد تا از پایداری لازم برخوردار گردد. با اینکه بخش کشاورزی در اکثر استانهای کشور می‌تواند نقش اساسی در ایجاد اشتغال ایفا نماید، اما متأسفانه به دلیل ساختار سنتی کشاورزی، این بخش ضریب اشتغالی بالایی ندارد؛ در حالی که به علت فقدان زنجیره‌های پس از تولید و عدم دسترسی به بازار و یا تأخیر در حمل و نقل، بخش قابل توجهی از محصولات کشاورزی به صورتهای مختلف به هدر می‌رود و از چرخه اقتصادی روستا خارج می‌گردد. بنابراین، ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی می‌تواند راهکاری مناسب برای جلوگیری از ضایعات و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی باشد. ضرورت توجه به کاهش ضایعات از طریق تکمیل فرایندهای پس از تولید در بخش کشاورزی باعث شکل‌گیری الگوهایی در زمینه توسعه صنایع تبدیلی و

عوامل پیش‌برنده و بازدارنده.....

تکمیلی در مناطق روستایی گردیده است. دیدگاه صنعتی کردن روستا معتقد است که گسترش فعالیتهای غیرکشاورزی و تنوع‌سازی اقتصاد روستایی می‌تواند نه تنها عاملی مهم در ارتقای ارزش افزوده بخش کشاورزی باشد بلکه افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری در مناطق روستایی را نیز به دنبال داشته باشد (Lied and Kilby, 1994) و نقش مهمی در توسعه روستایی و کشاورزی ایفا کند (رحیمی، ۱۳۸۳). تجارب سه دهه گذشته کشورهای آسیایی به ویژه چین، هندوستان و کره جنوبی نشان می‌دهد که صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، نقش اساسی در فرایند توسعه روستایی این کشورها به عهده داشته است (همان منبع). به هر روی نکته مهم این است که ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، پیچیدگیها و ظرافتهای خاص خود را می‌طلبد و باید با دقت و موشکافی لازم به اجرا در آید تا آثار قابل‌قبولی به دنبال داشته باشد (عمادی، ۱۳۷۸).

به دلیل اهمیت ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی، مطالعات زیادی در این حوزه انجام گرفته است اما کمتر به تحلیل عوامل پیش‌برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی پرداخته‌اند. برای نمونه، آصف وزیری و مدرس به نقل از مردوخی (۱۳۷۲) به امکان‌سنجی و تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری در ایجاد صنایع پرداختند و در الگوی خود بر ابعاد متعددی نظیر مواد اولیه، وضعیت بازار برای محصولات تولیدی و وضعیت عرضه و تقاضا، تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر بازار، وضعیت پشتیبانی دولت و سیاستگذارهای آن، هزینه‌های تولید، ریسک پروژه، ملاحظات فنی و اقتصادی، میزان ارزش افزوده، میزان ایجاد فرصت اشتغال و غیره تأکید کردند.

فرهمندیان (۱۳۷۹) نیز در تحقیق خود به منظور تشخیص مکانهای مناسب برای استقرار صنایع، قابلیتها و پتانسیلهای مکان را مهمترین عامل در ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی تلقی کرده‌است. مردوخی (۱۳۷۲) پتانسیلهای کشاورزی، حاصلخیزی خاک، وضعیت آب منطقه، نیروی انسانی، وجود بازار و فناوری مناسب موجود در منطقه را از مهمترین الزامات ایجاد صنایع تبدیلی می‌داند.

## اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال هجدهم، شماره ۷۰

شریفیان (۱۳۸۰) در مطالعه خود نشان داد که چگونه افزایش هر گونه تسهیلات اعطایی به صنایع تبدیلی کشاورزی باعث پیشرفت این صنایع و رشد و توسعه بخش کشاورزی و روستایی می‌گردد. او دسترسی به تسهیلات ارزان قیمت و آسان را مهمترین عامل در توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی می‌داند.

کیشور (Kishore, 2004) نیز در بررسی خود در ایالت اوریسای هند نتیجه گرفت که بهبود در زیر ساخت‌های یک منطقه می‌تواند باعث تقویت برتریهای مکانی شده و نیز موجب می‌شود که مکان صنایع در نقاطی واقع شوند که به لحاظ زیر ساختی دارای کارایی بهتری هستند. او همچنین به بررسی عواملی نظیر وجود مواد اولیه، وجود بازار، شرایط سرمایه‌گذاری، تخمین تقاضا و تسهیلات مالی و اعتباری پرداخت و این عوامل را در ایجاد و توسعه صنایع و فعالیتهای غیر کشاورزی تأثیرگذار دانست.

این مطالعات وجود عوامل متعددی را برای توسعه صنایع تبدیلی ضروری می‌دانند. اما مهمترین عامل در این میان پتانسیل منطقه از نظر تأمین مواد اولیه برای این گونه صنایع می‌باشد که از الزامات اولیه برای ایجاد صنایع تبدیلی محسوب می‌گردد. پتانسیلها و مزیت‌های نسبی موجود در استان خراسان شمالی حاکی از وجود زمینه‌های گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در محیط‌های روستایی است. در این باره باید گفت با اینکه این استان سالانه ۷۲۶۹۴۰ تن محصولات زراعی و ۱۵۹۶۶۸ تن محصولات باغی تولید می‌کند (سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان شمالی، ۱۳۸۵)، اما بسیاری از قابلیت‌هایش در بخش صنایع جانبی کشاورزی به دلیل عدم شناخت عوامل پیش برنده و بازدارنده، چندان مورد توجه و بهره‌برداری قرار نگرفته است. همچنین سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان شمالی تا سال ۱۳۸۵، در حدود ۱۰۹ مجوز تأسیس صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی صادر کرده است، اما تنها ۳۵ واحد از این صنایع به مرحله اجرا و بهره‌برداری رسیده‌اند. بنابراین، سؤال اساسی این است که چه عواملی باعث عدم شکل‌گیری و توسعه نیافتگی این صنایع می‌شوند و چه عواملی به توسعه این صنایع شتاب بیشتری می‌بخشند. از این رو، هدف اصلی این مقاله بررسی عوامل پیش برنده

عوامل پیش‌برنده و بازدارنده.....

و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی است که در قالب آن اهداف اختصاصی زیر بررسی می‌شوند:

۱. شناخت عوامل پیش‌برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی،
۲. تعیین سهم هریک از عوامل بازدارنده و پیش‌برنده در ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی.

## مواد و روشها

این مقاله مبتنی بر یک تحقیق کاربردی است که در دو سطح کتابخانه‌ای و پیمایشی انجام گرفته است. در بخش کتابخانه‌ای به بررسی زمینه‌های عوامل پیش‌برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی پرداخته شده و در بخش میدانی نیز اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد نظر جمع‌آوری گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مدیران صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی بوده که در شش شهرستان استان خراسان شمالی در حال فعالیت و یا دارای پروانه تأسیس از سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان شمالی بوده و در حال احداث واحدهای خود می‌باشند (جدول ۱).

جدول ۱. جامعه آماری مورد مطالعه به تفکیک شهرستان

شهرستان محل استقرار صنایع	تعداد	درصد
اسفراین	۵	۱۱/۶
بجنورد	۱۵	۳۴/۹
جاجرم	۳	۷
شیروان	۱۰	۲۳/۳
فاروج	۳	۷
مانه و سملقان	۷	۱۶/۳
جمع	۴۳	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

## اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال هجدهم، شماره ۷۰

نمونه گیری به صورت سرشماری بوده و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. پایایی پرسشنامه پس از انجام پیش آزمون از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شده که مقدار آن برای گویه‌های طیف لیکرتی مربوط به عوامل پیش برنده ۰/۸۷ و عوامل بازدارنده ۰/۸۹ به دست آمده که حاکی از اعتماد یا پایایی قابل قبول است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر آماره‌های توصیفی از روش تحلیل عاملی نیز استفاده شده و داده‌پردازی نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. به منظور بررسی عمیقتر موضوع و دسته‌بندی مناسب متغیرها از روش تحلیل عاملی استفاده گردیده است. از آنجا که هدف از تحلیل عاملی تلخیص تعداد زیادی متغیر در قالب تعداد مشخصی عامل می‌باشد (کلانتری، ۱۳۸۴)، بنابراین، اولین قدم، انتخاب متغیرهای مناسب از میان متغیرهای مورد استفاده در تحلیل عاملی می‌باشد. به همین دلیل، جهت تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از روش K.M.O و آزمون بارتلت استفاده گردید و با توجه به اینکه نتایج به دست آمده برای آزمون K.M.O در کلیه موارد بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد (جدول ۲)، بنابراین، تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۲. مقدار آماره K.M.O و آزمون بارتلت

عامل	آماره KMO	آزمون بارتلت	سطح معنیداری
عوامل پیش برنده	۰/۷۶	۳۵۴/۶۸**	۰/۰۰۰
عوامل باز دارنده	۰/۷۸	۲۲۳/۵۱**	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

\*\* معنی‌دار در سطح ۱ درصد

به منظور تعیین تعداد عاملها نیز از قاعده کیسر و برای تفسیرپذیر کردن آنها از چرخش عاملی با روش وریمکس استفاده شد.

## نتایج و بحث

براساس اطلاعات گردآوری شده، میانگین سنی مدیران صنایع تشکیل دهنده نمونه تحقیق برابر با ۳۷ سال بوده است. مدیران صنایع تحصیلات مناسبی داشته‌اند به طوری که دامنه تحصیلات آنها بین متوسطه تا کارشناسی ارشد در نوسان بوده است. میانگین سابقه فعالیت

عوامل پیش‌برنده و بازدارنده.....

مدیران صنایع در زمینه صنایع تبدیلی و تکمیلی ۷ سال می‌باشد و ۵۳/۳ درصد از مدیران صنایع کمتر از ۱۰ سال، ۱۷/۸ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۲۸/۹ درصد نیز بین ۲۰ تا ۳۰ سال در زمینه فعالیت اصلی سابقه دارند. از نظر مالکیت، بیش از ۹۰ درصد از واحدهای مورد مطالعه خصوصی و کمتر از ۱۰ درصد آنها تعاونی هستند، در حالی که هیچ‌یک از واحدهای صنایع فراوری محصولات کشاورزی دولتی نیستند.

داده‌های میدانی گردآوری شده در مورد زمینه فعالیت‌های واحدهای فراوری نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد آنها در زمینه فراوری محصولات زراعی فعالیت می‌کنند و یا مجوز صادر شده برای آنها در زمینه صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات زراعی است و تنها حدود ۳۰ درصد از آنها در زمینه فراوری محصولات باغی مجوز لازم را دریافت کرده‌اند (جدول ۳)، اما هنوز به مرحله اجرا یا بهره‌برداری نرسیده‌اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی زمینه فعالیت واحدهای صنعتی مورد مطالعه

درصد فراوانی	فراوانی	زمینه فعالیت
۲۵/۶	۱۱	کمپوت و آبمیوه گیری
۴/۷	۲	ماکارونی
۱۱/۶	۵	آرد
۷	۳	رب گوجه فرنگی
۱۱/۶	۵	پنبه پاک کنی
۷	۳	قره قروت
۲/۳	۱	چغندر قند
۱۱/۶	۵	ترشیجات
۲/۳	۱	پنبه پاک کنی و روغن کشی
۲/۳	۱	کشمش
۲/۳	۱	سرد خانه
۴/۷	۲	برنج کوبی
۲/۳	۱	نگهداری و حفاظت از فساد میوه جات
۲/۳	۱	الکل طبیعی و سرکه خوراکی
۲/۳	۱	فراوری زیتون
۱۰۰	۴۳	جمع

مأخذ: اطلاعات میدانی

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال هجدهم، شماره ۷۰

### عوامل پیش‌برنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی

در تحلیل عوامل پیش‌برنده برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان خراسان شمالی، مجموعاً ۱۳ متغیر وارد تحلیل عاملی شدند. این متغیرها در ۴ عامل تلخیص گردیدند که مقدار ویژه و درصد واریانس تبیین شده توسط هر کدام از آنها در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. عاملهای استخراج شده در خصوص عوامل پیش‌برنده توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در

#### استان خراسان شمالی

ردیف	نام عاملها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
۱	سیاستهای حمایتی	۶/۶	۴۳/۸	۴۳/۸
۲	حمایتی نهادی	۱/۷	۱۱/۳	۵۵/۱
۳	ایجاد فضای رقابتی	۱/۳	۸/۷	۶۳/۸
۴	نظام بانکی	۱/۱	۷/۵	۷۱/۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براساس جدول ۴، بیشترین مقدار ویژه مربوط به عامل سیاستهای حمایتی (۶/۶) می‌باشد که ۴۳/۸ درصد از واریانس عوامل پیش‌برنده توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان خراسان شمالی را تبیین می‌کند. پس از آن، به ترتیب عامل حمایتی نهادی (۱۱/۳٪)، عامل ایجاد فضای رقابتی (۸/۷٪) و عامل نظام بانکی (۷/۵٪) در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. مقدار واریانس تبیین شده توسط این چهار عامل ۷۱/۳ درصد می‌باشد.

عاملهای استخراج شده و متغیرهای مربوط به هر عامل همراه با ضرایب ماتریس دوران یافته در جدول ۵ ارائه شده است.



عوامل پیش برنده و بازدارنده.....

جدول ۵. عاملهای پیش برنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی و متغیرهای مربوط به آنها در

استان خراسان شمالی

نام عامل	متغیرها	بار عاملی
۱. سیاستهای حمایتی	- ایجاد و توسعه مراکز اطلاعاتی مرتبط با صنایع تبدیلی و تکمیلی در زمینه مواد اولیه، بازارهای هدف، زمینه‌های سرمایه‌گذاری و غیره و ارائه این اطلاعات به سرمایه‌گذاران	۰/۷۶۷
	- تصویب قوانین معافیت مالیاتی و عوارض به‌طور خاص برای صنایع تبدیلی و تکمیلی	۰/۷۱۱
	- توجه به نظام توزیع و بازاریابی مناسب کالاهای تولید شده و کاهش نقش واسطه‌ها	۰/۸۱۴
	- تعیین استانداردهای لازم در صنایع تبدیلی و تکمیلی جهت بهبود کیفیت فرآورده‌های تولیدی	۰/۸۲۴
	- حمایت‌های مشاوره‌ای و فنی دولت جهت بهبود تولید و کیفیت در رابطه با فناوریهای روز	۰/۷۸۸
۲. حمایتی نهادی	- حمایت از طرحها و تحقیقات کاربردی در ارتباط با واحدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی و ارائه نتایج آن به سرمایه‌گذاران	۰/۸۶۰
	- ایجاد زنجیره‌های تکمیلی صنایع در استان نظیر صنایع بسته بندی و خدمات آزمایشگاهی برای محصولات غذایی جهت سالم‌سازی و اقتصادی تر کردن تحویل کالا به مصرف کنندگان	۰/۷۱۷
۳. ایجاد فضای رقابتی	- یکپارچه‌سازی سازمانهای مرتبط با صنایع تبدیلی و تکمیلی	۰/۷۱۲
	- ایجاد و توسعه صندوقهای تخصصی و پشتیبانی کننده صنایع تبدیلی و تکمیلی	۰/۸۸۸
۴. نظام بانکی	- راه‌اندازی خوشه‌های صنعتی جهت ایجاد شبکه‌های همکاری بین صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان	۰/۸۰۱
	- رقابت‌پذیر کردن صنایع تبدیلی (از طریق افزایش کیفیت کالاها و کاهش قیمت محصولات، افزایش مقیاس تولید، نوآوری، تنوع، نوکردن ماشین‌آلات، آموزش و غیره)	۰/۶۹۷
	- کاربرد فناوری مناسب و چندمنظوره در صنایع تبدیلی جهت بازده مطلوب	۰/۷۰۶
	- اعطای وامهای کم بهره برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی	۰/۹۶۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

## اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال هجدهم، شماره ۷۰

نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که در مجموع ۱۳ متغیر در چهار عامل اصلی خلاصه شده است. با توجه به جدول مذکور متغیرهای زیر تحت عنوان عامل سیاستهای حمایتی نامگذاری شده‌اند: ایجاد و توسعه مراکز اطلاعاتی مرتبط با صنایع تبدیلی و تکمیلی در زمینه مواد اولیه، بازارهای هدف، زمینه‌های سرمایه‌گذاری و ارائه این اطلاعات به سرمایه‌گذاران (۰/۷۶۷)، تصویب قوانین معافیت مالیاتی و عوارض به‌طور خاص برای صنایع تبدیلی و تکمیلی (۰/۷۱۱)، توجه به نظام توزیع و بازاریابی مناسب کالاهای تولیدشده و کاهش نقش واسطه‌ها (۰/۸۱۴)، تعیین استانداردهای لازم در صنایع تبدیلی و تکمیلی جهت بهبود کیفیت فرآورده‌های تولیدی (۰/۸۲۴)، حمایت‌های مشاوره‌ای و فنی دولت جهت بهبود تولید و کیفیت در رابطه با فناوریهای روز (۰/۷۸۸)، حمایت از طرحها و تحقیقات کاربردی در ارتباط با واحدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی و ارائه نتایج آن به سرمایه‌گذاران (۰/۸۶۰) و ایجاد زنجیره‌های تکمیلی صنایع در استان نظیر صنایع بسته بندی و خدمات آزمایشگاهی برای محصولات غذایی جهت سالم‌سازی و اقتصادی‌تر کردن تحویل کالا به مصرف‌کنندگان (۰/۷۱۷). این متغیرها در مجموع ۴۳/۸ درصد از عوامل پیش‌برنده توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی را در استان خراسان شمالی تبیین می‌کنند. این نتایج نشان می‌دهد که اتخاذ سیاستهای حمایتی به‌ویژه ارائه اطلاعات شفاف در زمینه پتانسیلها و زمینه‌های سرمایه‌گذاری، ارائه خدمات مشاوره‌ای و فنی، ایجاد زنجیره‌های تکمیلی صنایع و حمایت از بازاریابی تولیدات این صنایع برای توسعه این گونه سرمایه‌گذاری‌ها در استان بسیار ضروری است.

متغیرهای یکپارچه‌سازی سازمانهای مرتبط با صنایع تبدیلی و تکمیلی (۰/۷۱۲) و ایجاد و توسعه صندوقهای تخصصی و پشتیبانی‌کننده صنایع تبدیلی و تکمیلی (۰/۸۸۸) که تحت عنوان عامل حمایتی نهادی از آن یاد شده است، ۱۱/۳ درصد از عوامل پیش‌برنده توسعه صنایع در استان را به خود اختصاص داده است. اگر از نظر ساختارهای سازمانی در سطح استان امکان یکپارچه‌سازی سازمانهای مرتبط با صنایع تبدیلی و تکمیلی وجود نداشته باشد، باید از

عوامل پیش‌برنده و بازدارنده.....

طریق کار گروه‌ها یا کمیته‌های مشترک بین سازمانهای ذیربط هماهنگیهای لازم انجام گیرد. ایجاد و توسعه صندوقهای تخصصی و پشتیبانی‌کننده صنایع تبدیلی و تکمیلی نیز قدمهایی اساسی در زمینه توسعه این گونه صنایع تلقی می‌گردد و می‌تواند اقدام بسیار مؤثری در این زمینه باشد.

عامل تأثیرگذار دیگر در زمینه توسعه موفق و پایدار صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان خراسان شمالی ساماندهی نواحی صنعتی و ایجاد خوشه‌های صنعتی در سطح استان می‌باشد. این عامل که تحت عنوان عامل ایجاد فضای رقابتی نامگذاری شده است. متغیرهایی نظیر: راه‌اندازی خوشه‌های صنعتی جهت ایجاد شبکه‌های همکاری بین صنایع تبدیلی و تکمیلی (۸۰۱/۰)، رقابت‌پذیر کردن صنایع تبدیلی (از طریق افزایش کیفیت کالاها و کاهش قیمت محصولات، افزایش مقیاس تولید، نوآوری، تنوع، نوکردن ماشین آلات، آموزش و غیره) (۶۹۷/۰) و کاربرد فناوری مناسب و چند منظوره در صنایع تبدیلی جهت ایجاد بازده مطلوب (۷۰۶/۰) از جمله مواردی هستند که در صورت ایجاد فرایندهای صنعتی از طریق ساماندهی نواحی و خوشه‌های صنعتی می‌توانند در توسعه صنایع نقش مهمی ایفا نمایند. این عامل ۸/۷ درصد از عوامل پیش‌برنده توسعه صنعتی را در استان خراسان شمالی تبیین می‌کند. در نهایت متغیر اعطای وامهای کم بهره برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، تحت عنوان عامل نظام بانکی، در حکم چهارمین عامل، تأثیر بسزایی در توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی داشته و ۷/۵ درصد از واریانس متغیرهای پیش‌برنده را به خود اختصاص داده است.

در یک جمع‌بندی کلی، عامل سیاستهای حمایتی، عامل حمایتی نهادی، عامل ایجاد فضای رقابتی و عامل نظام بانکی از مهمترین عواملی هستند که ۷۱/۳ درصد از عوامل پیش‌برنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی استان خراسان شمالی را تبیین می‌کنند.

#### عوامل بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی

به منظور تحلیل دقیق عوامل بازدارنده توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی نیز از تکنیک تحلیل عاملی استفاده گردید. طبق نتایج این آزمون، در

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال هجدهم، شماره ۷۰

مجموع شش عامل شامل مشکلات اعطای تسهیلات (۱۵/۸٪)، موانع نهادی (۱۴/۵٪)، مشکلات و موانع قانونی (۱۱/۱٪)، گرانی نهاده‌های تولیدی (۱۰٪)، ضعف اطلاع رسانی (۹/۹٪) و عدم هماهنگی بین سازمانها (۸٪)، عمده ترین موانع ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان خراسان شمالی هستند. این شش عامل مجموعاً ۶۹/۳ درصد از واریانس متغیرها و موانع توسعه صنایع استان را تبیین می‌کنند (جدول ۶).

جدول ۶. عاملهای استخراج شده در خصوص عوامل بازدارنده توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در

استان خراسان شمالی

ردیف	نام عاملها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
۱	مشکلات اعطای تسهیلات	۲/۸	۱۵/۸	۱۵/۸
۲	موانع نهادی	۲/۳	۱۴/۵	۳۰/۳
۳	مشکلات و موانع قانونی	۱/۹	۱۱/۱	۴۱/۴
۴	گرانی نهاده‌های تولیدی	۱/۷۱	۱۰	۵۱/۴
۵	ضعف اطلاع رسانی	۱/۷	۹/۹	۶۱/۳
۶	عدم هماهنگی بین سازمانها	۱/۴	۸	۶۹/۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

متغیرهای مربوط به هر عامل همراه با بار عاملی آنها در جدول ۷ ارائه شده‌اند.

عوامل پیش برنده و بازدارنده.....

جدول ۷. عوامل بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی و متغیرهای مربوط به آنها در

استان خراسان شمالی

نام عامل	متغیرها	بار عاملی
۱. مشکلات اعطای تسهیلات	شرایط سخت پرداخت وام و نیاز به ضمانت‌های بالاتر	۰/۸۴۵
	بالا بودن بهره وام‌های پرداختی بانکها و سایر منابع مالی	۰/۷۴۵
	کوتاه بودن مدت بازپرداخت وامها	۰/۸۳۶
۲. موانع نهادی	عدم تخصیص یارانه به تولیدکنندگان صنایع	۰/۷۹۳
	آسیب‌پذیر بودن این صنایع در برابر مشکلات و بحرانهای اقتصادی و رویارویی با تورم، مشکلات تأمین مواد و غیره	۰/۷۸۸
۳. مشکلات و موانع قانونی	نبود یک مرکز قدرتمند سامان‌دهنده و هماهنگ‌کننده که به طور خاص متولی امور صنایع تبدیلی و تکمیلی باشد	۰/۸۵۷
	اخذ مالیاتهای سنگین از صنایع تبدیلی و تکمیلی	۰/۸۳۰
	نبود قوانین انعطاف‌پذیر کار و تأمین اجتماعی	۰/۶۴۹
۴. گرانی نهاده‌های تولیدی	بالا بودن نرخ انرژی مصرفی	۰/۵۰۱
	عدم تحویل محصول توسط کشاورزان به کارخانه به دلیل بالا بودن قیمت محصول در بازار	۰/۶۷۵
	پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری‌های جدید	۰/۵۸۲
	عدم واگذاری زمین به‌ویژه در شهرکهای صنعتی	۰/۶۱۱
۵. ضعف اطلاع‌رسانی	نوسان قیمت محصول تولیدی در بازار	۰/۵۸۴
	نبود آمار و اطلاعات دقیق و جریان شفاف اطلاعات در باره مواد اولیه تولیدی در استان	۰/۸۶۸
۶. عدم هماهنگی بین سازمانها	صدور موافقت اصولی بدون هماهنگی و در نظر گرفتن ظرفیت بخش کشاورزی منطقه	۰/۸۵۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

## اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال هجدهم، شماره ۷۰

بر اساس نتایج تحلیل عاملی، متغیرهای شرایط سخت پرداخت وام و نیاز به ضمانت‌های بالاتر (۰/۸۴۵)، بالا بودن بهره وام‌های پرداختی بانکها و سایر منابع مالی (۰/۷۴۵)، کوتاه بودن مدت باز پرداخت وامها (۰/۸۳۶) و عدم تخصیص یارانه به تولیدکنندگان صنایع (۰/۷۹۳) مهمترین مشکلات مربوط به اعطای تسهیلات بانکی هستند که ۱۵/۸ درصد از مشکلات ایجاد و توسعه صنایع استان را تشکیل می‌دهند. تسهیل شرایط پرداخت اعتبارات بانکی همراه با افزایش مدت بازپرداخت به‌ویژه شروع باز پرداخت وامها پس از به‌ربرداری رسیدن صنایع و همچنین کاهش بهره وام‌های بانکی به‌ویژه برای صنایع کوچک و مرتبط با بخش کشاورزی که از سیاستهای دولت نیز محسوب می‌شود، می‌تواند گام‌هایی در جهت توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان باشد.

متغیرهای آسیب‌پذیر بودن این صنایع در برابر مشکلات و بحرانهای اقتصادی و رویارویی با تورم، مشکلات تأمین مواد و غیره (۰/۷۸۸) و نبود مرکز قدرتمند سامان‌دهنده و هماهنگ‌کننده که به‌طور خاص متولی امور صنایع تبدیلی و تکمیلی باشد (۰/۸۵۷) از مهمترین موانع نهادی در ایجاد و توسعه صنایع مرتبط با بخش کشاورزی محسوب می‌گردند که ۱۴/۵ درصد از مشکلات صنایع استان را به‌خود اختصاص می‌دهند. به‌طور قطع هماهنگی بین سازمان جهاد کشاورزی، اداره کل صنایع و معادن، بانکهای عامل، اداره کل کار و امور اجتماعی، اداره کل امور اقتصادی و دارایی و سایر سازمانها و نهادهای مرتبط در سطح استان می‌تواند مشکلات موجود در سر راه ایجاد و توسعه این‌گونه صنایع را مرتفع نماید.

متغیرهای مربوط به اخذ مالیاتهای سنگین از صنایع تبدیلی و تکمیلی (۰/۸۳۰)، نبود قوانین انعطاف‌پذیر کار و تأمین اجتماعی (۰/۶۴۹) و بالا بودن نرخ انرژی مصرفی (۰/۵۰۱) نیز از عمده‌ترین مشکلات و موانع حقوقی و قانونی در سر راه صنایع می‌باشند که ۱۱/۱ درصد از مشکلات صنایع را تبیین می‌کنند.

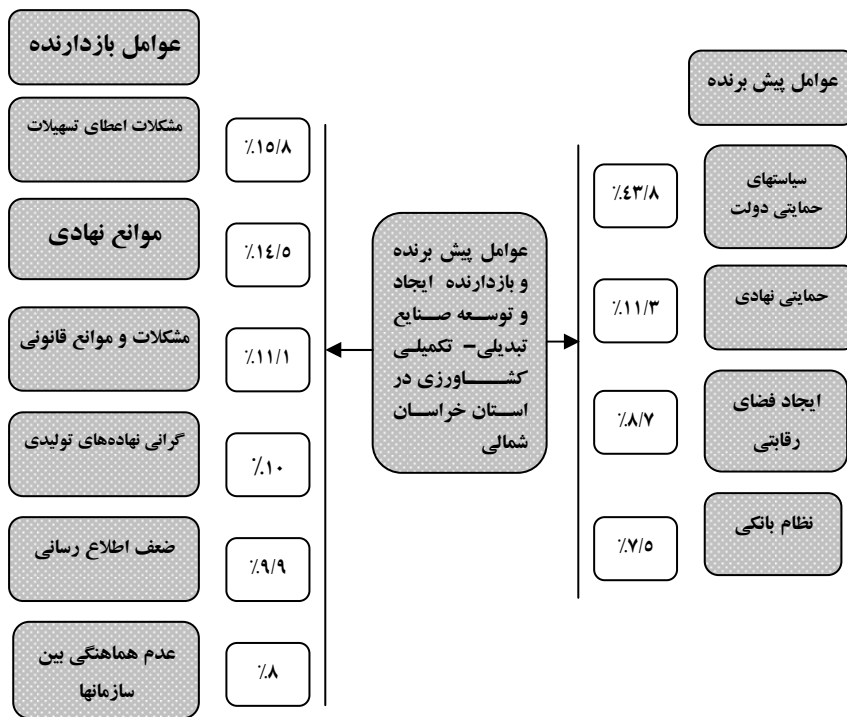
عدم تحویل محصول توسط کشاورزان به کارخانه به دلیل بالا بودن قیمت محصول در بازار (۰/۶۷۵)، پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری‌های جدید (۰/۵۸۲)، عدم واگذاری زمین

عوامل پیش‌برنده و بازدارنده.....

به‌ویژه در شهرکهای صنعتی (۰/۶۱۱) و نوسان قیمت محصول تولیدی در بازار (۰/۵۸۴) از مهمترین موانع توسعه صنایع در زمینه گرانی نهاده‌های تولیدی هستند که در مجموع ۱۰ درصد از مشکلات صنایع تبدیلی و تکمیلی استان را به خود اختصاص داده‌اند.

نبود آمار و اطلاعات دقیق درباره مواد اولیه تولیدی در استان (۰/۸۶۸) و صدور موافقت اصولی بدون هماهنگی و در نظر گرفتن ظرفیت بخش کشاورزی منطقه (۰/۸۵۷) به ترتیب از مهمترین مشکلات ضعف اطلاع‌رسانی و عدم هماهنگی بین سازمانها هستند که ۹/۹ و ۸ درصد از موانع و مشکلات توسعه صنایع استان خراسان شمالی را به خود اختصاص می‌دهند.

نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که عوامل پیش‌برنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در این استان بیشتر از عوامل بازدارنده آن بوده است که نویدبخش وجود زمینه‌های مساعدتری برای توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان می‌باشد که در صورت تدوین برنامه‌های مناسب و رفع موانع مطرح شده می‌توان به توسعه این‌گونه صنایع امیدوار شد. جمع‌بندی مربوط به عوامل پیش‌برنده و بازدارنده توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان خراسان شمالی در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل تجربی عوامل پیش برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی همراه با سهم هر یک از عوامل

### پیشنهادها

بر مبنای یافته‌های این تحقیق، به منظور کاهش آثار بازدارنده و ایجاد زمینه مناسب برای توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان خراسان شمالی، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. کوتاه بودن مدت باز پرداخت وامها از یک طرف و مشکل مالی صنایع از طرف دیگر، از جمله عواملی هستند که رشد و پیشرفت صنایع تبدیلی و تکمیلی استان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به همین دلیل باید تدابیری اندیشیده شود تا پرداخت وام با شرایط آسانتر انجام گیرد و زمان باز پرداخت آن نیز افزایش یابد.



عوامل پیش‌برنده و بازدارنده.....

۲. نبود یک مرکز قدرتمند سامان‌دهنده و هماهنگ‌کننده که به‌طور خاص متولی امور صنایع تبدیلی و تکمیلی باشد نیز از عوامل بازدارنده اداری در سطح منطقه می‌باشد که این امر سبب سردرگمی صنایع شده است. بی‌گمان یکپارچه کردن امور و منظور کردن یک متولی و هماهنگ‌کننده مشخص می‌تواند زمینه را برای پیشرفت و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در این منطقه فراهم آورد.

۳. با توجه به اینکه یکی از عوامل بازدارنده، مشکلات و موانع قانونی در ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی و اخذ مالیاتهای سنگین از صنایع تبدیلی و تکمیلی است، باید سیاستها و راهکارهای ویژه‌ای جهت کاهش مالیاتهای اخذ شده از صنایع تبدیلی و تکمیلی منطقه اتخاذ شود و با توجه به نوپا بودن و روستایی بودن این صنایع، سعی گردد به‌گونه‌ای از فشار مالیاتهای سنگین بر این صنایع کاسته شود تا آنها قدرت و توان لازم را برای ارائه خدمات و ایجاد بستر رشد برای کشاورزی منطقه به‌دست آورند.

همچنین وجود برخی قوانین، به‌ویژه قوانین نیروی کارمحور باعث شده است که در بسیاری موارد کارفرمایان از ادامه فعالیت باز بمانند و زمینه برای تعطیلی بعضی صنایع فراهم گردد. در نتیجه، بازنگری و متعادل کردن این گونه قوانین به‌ویژه در خصوص صنایع روستایی می‌تواند زمینه مساعدتری برای توسعه این صنایع ایجاد کند.

۴. جریان شفاف اطلاعات در زمینه پتانسیلهای کشاورزی و تولیدی، به‌ویژه درخصوص مواد اولیه و همچنین ارائه اطلاعات لازم درباره توانمندیهای فراوری محصولات کشاورزی در استان می‌تواند تولیدکنندگان و کشاورزان را با واحدهای فراوری پیوند دهد و این دو بخش ضمن رفع نیازهای یکدیگر، ارزش افزوده بخش کشاورزی را در استان ارتقا دهند. بنابراین باید از طریق نهادسازی، تدابیری اندیشیده شود که جریان اطلاعات بین این بخشها به‌طور شفاف ایجاد شود.

## سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی می‌باشد که هزینه انجام آن توسط معاونت پژوهشی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران تأمین گردیده است که بدینوسیله از آن معاونت محترم تقدیر و تشکر می‌گردد.

## منابع

۱. رحیمی، عباس (۱۳۸۳)، تعیین ویژگی‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی «با تکیه بر تجارب دیگر کشورها: معاونت صنایع و توسعه روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، دفتر امور صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، انتشارات جامعه نگر.
۲. سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان شمالی (۱۳۸۵)، آمارنامه کشاورزی استان خراسان شمالی.
۳. شریفیان، محمدجواد (۱۳۸۰)، نقش نواحی صنعتی روستایی در توسعه روستاها (ناحیه صنعتی امان آباد مشهد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.
۴. عمادی، محمدحسین (۱۳۷۸)، چالش‌ها و راهبردهای ارتقای بهره‌وری در صنایع روستایی، ارائه شده در همایش صنایع روستایی، وزارت جهادسازندگی، اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری، ص ۲۳.
۵. فرهنگیان، رجب (۱۳۷۹)، مکان‌یابی بهینه صنایع تبدیلی و نقش آن در توسعه روستایی، پژوهش موردی شهرستان شهرضا (بخش سمیرم سفلی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۶. کلاتری، خلیل (۱۳۸۴)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، نشر شریف، تهران.

عوامل پیش‌برنده و بازدارنده.....

۷. مردوخی (۱۳۷۲)، صنایع روستایی ایران، بررسی وضعیت و شرایط توسعه،  
*اقتصاد کشاورزی و توسعه.*

8. Lied, H. and C. Kilby (1994), The role of non-farm actives in  
the rural economy, Macmillan Press in Association With the IEA  
O.4.

9. Kishore, C. (2004), Rural non-farm activities in specific regions  
of Orissa, *Journal of Rural Development*, 16: 457-464.

